



تمایزات بنیادین شرکت های تضامنی در حقوق ایران و فرانسه

مهدی منتظر^۱

غزال زاهدی^۲

تاریخ دریافت مقاله: ۹۹/۰۲/۰۱ تاریخ پذیرش نهایی: ۹۹/۰۶/۱۱

چکیده

اولین شرکت در قانون تجارت فرانسه شرکت تضامنی است که به صرف شراکت شرکاء در شرکت تضامنی تاجر تلقی شده و دارای مسئولیت نامحدود و تضامنی خواهند بود. در حالیکه دقت در قانون تجارت ایران نشان می‌دهد صرف شراکت در یک شرکت تضامنی موجب تاجر شناخته شدن شخص نمی‌گردد. در این صورت موضوع اساسی قابل طرح این است که مقنن فرانسوی به دلیل برخی مصالح تا حدودی از اصل استقلال شخصیت حقوقی شرکت عدول نموده است و در نتیجه امکان مراجعه بستانکاران به شرکاء را قبل از انحلال شرکت تحت شرایطی تجویز نموده است. در حالیکه مقنن ایرانی تحت هیچ شرایطی امکان مراجعه بستانکاران شرکت به شرکاء را مادامیکه شخصیت حقوقی شرکت باقی است، مهیا ننموده است. لذا قانونگذار هیچ راهی برای مراجعه به شرکای شرکت تضامنی تا پایان امر تصفیه و زوال شخصیت حقوقی شرکت باقی نگذاشته است که در واقع این امر را می‌توان از تمایزات بنیادین نظام حقوقی فرانسه و ایران دانست. در این مقاله دیگر وجوه اختلاف از جمله مسئولیت و اختیارات مدیران و شرایط عزل و نصب مدیران و مجامع و حساب‌رسان شرکت و در نهایت انحلال شرکت تضامنی در دو نظام حقوقی ایران و فرانسه نیز مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

کلید واژه‌ها

شرکت تضامنی، شخصیت حقوقی، مسئولیت تضامنی، ورشکستگی.

۱- مقدمه

^۱ استادیار گروه حقوق خصوصی، دانشکده علوم انسانی، واحد دماوند، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)
mhdmontazer@yahoo.com

^۲ دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد بین‌المللی کیش (kish) ghazalzahedi16@gmail.com

شرکت‌ها در نظام حقوقی ایران به شرکت‌های شکلی و موضوعی تقسیم می‌شوند. شرکت‌های شکلی، شرکت‌هایی هستند که قانونگذار صرف‌نظر از اینکه موضوع این شرکت‌ها تجاری می‌باشد یا خیر، آنها را تجاری محسوب می‌کند. این موضوع در قانون تجارت ایران وفق ماده ۲ لایحه اصلاح قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷ صرفاً در مورد شرکت‌های سهامی امکان‌پذیر است. این در حالیست که به موجب ماده L.210-1 قانون تجارت فرانسه، ماهیت تجاری شرکت‌ها به واسطه فرم و موضوع آنها تعیین می‌شود. شرکت‌های شکلی، در نظام حقوقی فرانسه شامل شرکت تضامنی، شرکت با مسئولیت محدود و شرکت‌های سهامی است که صرف‌نظر از موضوع آن تجاری محسوب می‌شود. (یعنی اعم از اینکه فعالیت تجاری انجام دهند یا ندهند شرکت تجاری محسوب می‌شوند بر خلاف قانون تجارت ایران). شرکت‌های تجاری همانند شرکت‌های غیر تجاری (مدنی) از حقوق عام شرکت‌ها برخوردار بوده و مشمول مواد ۱۸۳۲ الی ۱۸۴۴-۱۷ قانون مدنی بوده و به نحو قابل توجهی از طریق قانون چهارم ژانویه ۱۹۷۸ (قانون شماره ۹-۷۸) و آیین‌نامه اجرایی شماره ۷۸-۷۰۴ سوم ژوئیه ۱۹۷۸ مورد بازبینی قرار گرفت. در این راستا تغییرات قابل توجهی از طریق قوانین ویژه مهمی صورت گرفت مثل قانون ۲۴ ژوئیه ۱۹۶۶ (قانون شماره ۵۳۷-۶۶) به ویژه مواد L.210-1 به بعد قانون تجارت و آیین‌نامه اجرائی آن به شماره ۵۳۶-۶۷ بیست و سوم مارس (Mestre & Éve,) (2009, 2421۹۶۷).

در حقوق فرانسه دو نوع شرکت اشخاص و سرمایه وجود دارد. در حقوق ایران نیز بر همین اساس شرکت‌ها به شرکت شخص و سرمایه تقسیم می‌شوند. در شرکت‌های سرمایه حق رجوع به شرکاء به هیچ‌میزانی وجود ندارد و شخصیت شرکاء و دارایی شخصی آنها هیچ تضمینی برای پرداخت بدهی‌های شرکت نیست. در این شرکت‌ها این آورده است که مسئولیت می‌گیرد نه آورنده آن، برخلاف شرکت‌های شخص (مانند شرکت تضامنی) ولذا مسئولیت مستقر بر سرمایه است نه آورنده سرمایه. در شرکت‌های سرمایه شریک و سهامدار هیچ‌گونه تعهد شخصی در قبال طلبکاران شرکت ندارند و اگر شرکت بنا به دلایلی قادر به پرداخت دیون خود نباشد نمی‌توان به شرکاء و سهامداران رجوع نمود. (برخلاف شرکت‌های شخص مانند شرکت تضامنی و نسبی) و تنها تعهد شرکت یا سهامدار در شرکت‌های سرمایه پرداخت مبلغ سهم الشرکه و سهام است و اگر به این تعهد خود عمل نماید، صاحب سهم‌الشرکه یا سهام تعهد دیگری ندارد.

شرکت اشخاص، بر مبنای شخصیت شرکاء تشکیل می‌شود و هر شریکی روی بعضی از خصوصیات شریک دیگر حساب می‌کند که مثلاً دارای صفت و شهرت یا موقعیت خاصی است و ممکن است برای پیشرفت کار و رسیدن به هدف مشترک مثمر ثمر یا منشأ اثری گردد. اصل بر

این است که یک شرکت از حداقل دو شریک تشکیل گردد، لیکن در شرکت‌های سهامی حداقل تعداد سهامداران هفت شخص می‌باشد و حداکثری برای تعداد شرکا یا سهامداران وجود ندارد به استثنای شرکت با مسئولیت محدود که در آن حداکثر تعداد شرکا امروزه یکصد شخص است (Mestre & Marie-Ève, op...cit, 253). نتیجه‌ای که از دخالت شخصیت شرکاء در تشکیل این قبیل شرکت‌ها حاصل است این است که براساس ماده ۱۲۳ قانون تجارت در این گونه شرکت‌ها انتقال سهم‌الشرکه به غیر، بدون رضایت تمام شرکاء امکان‌پذیر نیست، همچنین وفق بند ۵ ماده ۱۳۶ ق.ت، بدهکاری و ورشکستگی هر یک از شرکاء موجب انحلال شرکت است (محمدزاده، ۱۳۸۰، ص ۱۱۸).

قبل از ورود به بحث اصلی، ابتدا به شرکت تضامنی در حقوق ایران و فرانسه پرداخته شده است:

۲- شرکت تضامنی در حقوق ایران و فرانسه

شرکت تضامنی از نظر تاریخی گذشته‌ای طولانی دارد. اولین شرکت در قانون تجارت فرانسه شرکت تضامنی و از نوع شرکت شخص است. در شرکت‌های شخص (تضامنی) نام شخص و اعتبار وی اهمیت بسیاری دارد چرا که در نهایت این افراد مسئول پرداخت قروض شرکت می‌باشند. شرکت‌های اشخاص با ملاحظه و براساس شخصیت شرکا شکل می‌گیرد. از اینرو در فرانسه شرکت‌های تضامنی را در دسته شرکت‌های اشخاص و از نوع تجارتهای اشخاص از طریق فرم قرار داده‌اند. (<http://revuefiduciaire.grouperf.com>) این نوع شرکت‌ها از زمان قرون وسطی در قالب شرکت‌های تضامنی و شرکت‌های مختلط تشکیل می‌گردید. شرکت تضامنی و شرکت مختلط^۱ به طور سنتی به شرکت‌های اشخاص معروف است. یکی از پیامدهای این امر این است که اصولاً سهم‌الشرکه شرکا غیرقابل انتقال است. به طور کلی هیچ شریکی نمی‌تواند^۲ سهم‌الشرکه خود را بدون اخذ رضایت کلیه شرکا انتقال دهد. این بدین معناست که هیچ کس نمی‌تواند در طول حیات شرکت وارد آن شود مگر با رضایت کلیه شرکا (Mestre & Marie-Ève, op. cit, 333).

برخی ریشه این شرکت را به حقوق روم ارجاع داده‌اند و استدلال می‌کنند که این حقوق وجود شرکتی را که مالکیت مشترک آن صرفاً خانوادگی بوده است به رسمیت شناخته که افراد خارج از خانواده و فامیل، حق ورود به این شرکت را نداشتند. پس از دگرگونی‌هایی،

^۱ La société en commandite.

^۲ Les parts sociales.

غیرخویشاوندان، دوستان و آشنایانی که مایل بودند به این شرکت ها وارد شدند. به مرور زمان شکل خانوادگی شرکت گفته شده، به صورت فعلی آن در قرون وسطی درآمد. برخی حقوقدان ها، به ویژه در ایتالیا، بر این باورند که ریشه این شرکت به حقوق روم بر نمی گردد بلکه منشأ آن ناشی از تحولی است که در زمان قرون وسطی در زمینه تجارت در ایتالیا ایجاد شده است. وقتی یک خانواده در شهر ی سکنی می گزید، افراد آن خانواده در صورت فوت مورث، مجبور بودند که ابقا بر ذمه متوفی کنند و تجارت وی را تحت سقف واحدی استمرار دهند. این حالت مشاعی و اشتراک مساعی و استمرار در تجارت مورث، موجبات ظهور اولیه نشانه های شرکت های با مسئولیت محدود و تضامنی بود. با گسترده شدن صنایع دستی و بزرگ شدن حجم این صنایع، دیگر، شرکت های تضامنی محصور به برادران و پسران نمی شد، بلکه آشنایان و دوستان نیز در آن وارد می شدند (سماواتی، ۱۳۹۱، ۳۵ و ۳۶). با وجود اختلاف در منشأ شرکت تضامنی، در زمینه قدمت شرکت ها و از جمله شرکت تضامنی تردیدی وجود ندارد. اما اصل شخصیت حقوقی به صورتی که امروزه متداول است معمول نبوده است (ستوده، ۱۳۸۳، ۲۱۵).

در نظام حقوقی ایران شرکت های تضامنی به موجب ماده ۱۱۶ قانون تجارت حتماً باید در قالب ماده ۲ قانون تجارت فعالیت نماید. ماده ۱۱۶ قانون تجارت «شرکت تضامنی شرکتی است که در تحت اسم مخصوصی برای امور تجاری بین دو یا چند نفر با مسئولیت تضامنی تشکیل می شود. اگر دارایی شرکت برای تأدیه ی تمام قروض کافی نباشد، هر یک از شرکا مسئول پرداخت تمام قروض شرکت است و هر فراری خلاف این ترتیب بین شرکا داده شده باشد، در مقابل اشخاص ثالث کان لم یکن خواهد بود» (طالب احمدی، پیشین، ص ۱۹۳). ماده ی ۷۷۴ لایحه ی تجارت ۱۳۸۴ نیز، تقریباً همین تعریف را از شرکت تضامنی ارائه داده است. این شرکت از بارزترین شرکت های اشخاص شمرده می شود؛ زیرا اعتبار شرکت تضامنی، نسبت مستقیم با اعتبار شرکای آن دارد و سرمایه در درجه ی اول اهمیت قرار ندارد (خرزاعی، ۱۳۸۵، ۴۸). به عبارت دیگر، اشخاص ثالث در صورت عدم وصول مطالبات خود از شرکت، حق رجوع به شرکای آن را دارند. بنابراین برخلاف شرکت های سرمایه، نظیر شرکت سهامی، کسانی که تصمیم دارند با شرکت تضامنی وارد معامله شوند، وضعیت مالی شرکای آن را مدنظر قرار می دهند (طالب احمدی، پیشین، ۱۹۴). لازم به ذکر است که درج اسامی شرکا در اسم شرکت تضامنی، یکی از وجوه تمایز آن از شرکت های سرمایه بوده و نام شرکت تضامنی، معرف اعتبار و موقعیت آن است (رسایی نیا، ۱۳۸۶، ۲۴۷).

یکی از نویسندگان در تعریف شرکت تضامنی بیان کرده است: «شرکت تضامنی، شرکتی است برای امور تجاری که دو یا چند شخص را که تجارت می‌کنند یا به موجب قانون وصف تاجر کسب می‌نمایند، برای یک فعالیت بازرگانی متحد می‌سازد. هر شریک شخصاً و شریک‌ها متضامناً مسئولیت دارند» (صقری، ۱۳۹۳، ۲۹۳). البته این تعریف خالی از ایراد نیست، چرا که بعنوان مثال تاجر محسوب کردن شریک شرکت تضامنی که در این تعریف گنجانده شده است، از موضوعات اختلافی میان حقوقدانان بوده و امری مسلم به شمار نمی‌رود.

در قانون تجارت فرانسه، قانونگذار در تعریف شرکت تضامنی بر روی دو موضوع تکیه کرده است. اول اینکه شرکا صفت تاجر را اکتساب می‌کنند که از همان مسئولیت شخصی و تضامنی شرکا ناشی شده است. دوم اینکه این شرکت تحت عنوان معین فعالیت می‌کند و اسم یک یا چند تن از شرکای ضامن را در بر دارد (سماواتی، پیشین، ۴۲).

به موجب ماده L.210-1 قانون تجارت فرانسه، شرکت تضامنی شکلی است و می‌تواند فعالیت غیرتجاری داشته در عین حال شرکت تجاری محسوب می‌شود. و اشخاص حقیقی و حقوقی می‌توانند در چند شرکت تضامنی شریک گردند، البته برخی از اشخاص حقوقی مثل شرکت‌های مدنی از انجام اعمال تجاری ممنوع هستند، لذا نمی‌توانند شریک شرکت تضامنی گردند. حداقل تعداد شرکا در شرکت تضامنی دو شخص است. لذا شرکت تضامنی را نمی‌توان به صورت تک شریک تشکیل داد. چنانچه شرکت تضامنی با کمتر از دو شریک تشکیل گردد یا تعداد شرکای آن از دو شریک کمتر گردد در معرض بطلان قرار خواهد گرفت. دادگاه می‌تواند برخی از اشخاص را از انجام اعمال تجاری ممنوع نماید. لذا این اشخاص نیز نمی‌توانند شریک شرکت تضامنی گردند (Charvériat et al., 2016, 238).

مدیر شرکت تضامنی چنانچه از بین شرکا باشد، بایستی دارای اهلیت امور تجاری باشد. مدیری که از خارج از شرکا انتخاب می‌شود تاجر محسوب نگردیده و لذا نمی‌توان شخص حقوقی غیرتجاری مثل شرکت مدنی را بعنوان مدیر شرکت تضامنی انتخاب نمود، حتی صغیری که دارای ولی قهری بوده و به سن کبر رسیده و دارای اهلیت مدنی شده است را نیز نمی‌توان بعنوان مدیر شرکت تضامنی انتخاب نمود. از طرف دیگر صغیری که تحت ولایت قهری قرار دارد و به سن کبر نرسیده است، اشخاص کبیری که به دلیل محجوریت تحت قیمومیت قرار دارند یا تحت ولایت قهری قرار دارند، نمی‌توانند به عنوان مدیر شرکت تضامنی تعیین گردند (ibid, 332). صغیری که ولی قهری دارد و به سن کبر رسیده و دارای اهلیت مدنی است^۱ نمی‌تواند شریک شرکت‌های

^۱ Mineur émancipé.

تضامنی گردد مگر اینکه دادگاه اجازه چنین امری را بدهد، البته در فرضی که والدین صغیر فاقد صلاحیت لازم جهت اتخاذ تصمیم باشند (ibid, 24). صغیری که هنوز تحت ولایت بوده و به سن کبر نرسیده است^۱ نمی تواند شریک شرکت تضامنی گردد به این دلیل که از اقدام به تجارت یا عمل تجارتي ممنوع است. توضیح اینکه شرکای شرکت تضامنی تاجر محسوب می شوند و از آنجاییکه صغاری که هنوز تحت ولایت است و به سن کبر نرسیده است از انجام عمل تجارتي ممنوع هستند و نمی توانند بعنوان شریک در شرکت تضامنی فعالیت نمایند (ibid, 327). شخص کبیری که به دلیل محجوریت قیم دارد^۲ مثل سفیه نیز نمی تواند مبادرت به انجام عمل تجارتي نماید ولو به وسیله قیم خود. لذا نمی تواند شریک شرکت تضامنی گردد. شخص کبیری که به دلیل محجوریت تحت ولایت قهری قرار دارد^۳ به استثنای اشخاصی که به حکم قاضی اهلیت آنها جهت اعمال ماده ۴۷۱ ق. م. فرانسه^۴ به رسمیت شناخته شده، نیز نمی تواند شریک شرکت تضامنی قرار گیرند ولو با حمایت ولی قهری خود.

بر اساس ماده L.210-6 قانون تجارت فرانسه، شرکت ها از زمان ثبت آنها در دفتر ثبت تجاری و شرکت ها واجد شخصیت حقوقی می گردند. و تبدیل یک شرکت به شرکت دیگر باعث ایجاد شخصیت حقوقی جدید نمی شود. و همین امر در رابطه با تمديد مدت یک شرکت نیز اعمال می شود؛ در حالیکه در نظام حقوقی ایران، ایجاد شخصیت حقوقی برای شرکت های مختلف، متفاوت است. از جمله در شرکت های تضامنی زمان تشکیل شرکت وفق ماده ۱۱۸ قانون تجارت، مصادف است با تأدیه سرمایه نقدی و تسلیم و تقویم سهم الشرکه غیر نقدی. امروزه شرکت تضامنی در حقوق فرانسه و کشورهای که سیستم حقوقی این کشور را اقتباس کرده اند، دارای شخصیت حقوقی است، در حالی که در کشورهای آنگلو ساکسون شخصیت حقوقی ندارد (اسکینی، ۱۳۹۱، ۱۷۵ و ۱۷۶).

^۱ Mineur non émancipé.

^۲ Majeur sous tutelle.

^۳ Majeur sous curatelle.

^۴ ماده ۴۷۱ قانون مدنی فرانسه: «در هر زمان، قاضی می تواند به استثنای مواردیکه در ماده ۴۶۷ استثناء گردیده، برخی از اعمالی را که شخص کبیر تحت ولایت قهری اهلیت انجام را به تنهایی دارد، معرفی نماید. ضمناً می تواند اعمالی را که وی بدون تنفیذ ولی قهری خود نمی تواند انجام دهد را نیز معرفی نماید.»

انجام برخی ملاحظات خاص در خصوص شرکت‌های اشخاص (شرکت‌های تضامنی و مختلط)^۱ عبارتند از: ۱- ممنوعیت تشکیل شرکت جهت انجام برخی امور خاص مثل بیمه^۲ و مشاغل آزاد؛^۳ ۲- کلیه شرکای شرکت تضامنی و شرکای ضامن در شرکت‌های مختلط غیرسهامی اهلیت انجام امور تجارتي را داشته و تاجر شناخته می‌شوند. حجر یکی از شرکا سبب می‌شود که شرکت در معرض بطلان نسبی^۴ قرار گیرد؛ ۳- به موجب تصویب قانون ۲۳ دسامبر ۱۹۸۵ این امکان وجود دارد که هر یک از زوجین به جای همسر خود شریک همان شرکت تضامنی یا شرکت مختلط سهامی گردد؛ ۴- شرکت‌های فوق (تضامنی و مختلط غیرسهامی) را نمی‌توان در معرض فروش قرار داد؛ ۵ - حداقل سرمایه جهت تشکیل شرکت‌های مذکور وجود ندارد؛ حتی اینگونه شرکت‌ها را بدون سرمایه و صرفاً براساس صنعت نیز می‌توان تشکیل داد (Mestre & Marie-Ève, op. cit, 335).

آنچه مسلم است این است که سه اصل در شرکت تضامنی باید رعایت شود: مسئولیت تضامنی شرکت، غیرقابل انتقال بودن سهم‌الشرکه و نام شرکت.

۲-۱. مسئولیت تضامنی شرکاء

اصلی‌ترین تعهد شرکای شرکت تضامنی مسئولیت نامحدود و تضامنی در خصوص بدهی‌های شرکت در برابر طلبکاران شرکت است (ibid, 338). مسئولیت شرکاء در این نوع شرکت نامحدود است، به این معنی که هر یک از شرکاء فقط در حدود سهم‌الشرکه خود در شرکت مسئول پرداخت دیون شرکت نیست، بلکه در صورت ورشکستگی شرکت هر طلبکار می‌تواند به هر یک از شرکاء، برای وصول تمام طلب خود مراجعه نماید، و این مسئولیت نامحدود اساس شرکت‌های تضامنی است و از چنان اهمیتی برخوردار است که قانونگذار در قسمت اخیر ماده ۱۱۶ ق.ت به صورت قواعد آمره بیان نموده که «اگر قراردادی نیز بر خلاف آن بین شرکاء منعقد شود، نسبت به اشخاص ثالث کان‌لم‌یکن خواهد بود». (محمدزاده، پیشین، ۱۱۸). بدیهی است که مسئولیت تضامنی شرکا جهت حمایت از طلبکاران شرکت است والا مسئولیت نهایی هر شریک به نسبت آورده او به شرکت است (کاویانی، ۱۳۸۶، ۲۷۸). از اینرو چنانچه هر یک از شرکا شرکت تضامنی

^۱ Sociétés en commandite simple.

^۲ Assurance.

^۳ Profession libérales.

^۴ Nullité relative.

مازاد بر آورده خود به شرکت، بدهی های آن را پرداخت نموده باشد، حق دارد تا نسبت به مازاد به دیگر شرکا مراجعه نماید.

اصولاً در برابر اشخاص ثالث، شرکت، پاسخگوی اعمال مدیر یا مدیران می باشد، مگر اینکه مدیر یا مدیران سبب ورود خسارت به اشخاص ثالث شده باشند که در این صورت آنان شخصاً مسئول جبران خسارت مزبور می باشد مشروط به اینکه بتوان بین تخلف مدیر یا مدیران مذکور و اقدامات یا عملکرد وی برای شرکت تفکیک قائل شد. مدیر نماینده یا وکیل شرکای شرکت است. وی بایستی حساب زمان تصدی خود را بدهد و همچنین وی مسئول تخلفات خود در مدت مدیریت می باشد. در فرض تعدد مدیران، اصولاً هر مدیری صرفاً در مقابل تخلفات شخصی خود مسئول است مگر آنکه تخلف مشترک باشد (Mestre & Marie-Ève, op. cit, 338).

۲-۲. غیرقابل انتقال بودن سهم الشرکه

شرکت های تضامنی دارای یک ویژگی بسیار بسته^۱ می باشد. انتقال سهم الشرکه حتی بین شرکا نیز نیازمند به اتفاق آراء شرکا دارد. این امر تضمینی است بر اینکه اولاً اشخاص نامطلوب به شرکت وارد نشوند و ثانیاً توانایی پذیرش مسئولیت نامحدود و تضامنی بدهی های شرکت را نیز داشته باشند (ibid, 166). در شرکت تضامنی شخصیت شرکاء در درجه اول اهمیت قرار دارد و شرکت قائم به اعتبار شخصیت شرکاء است و اعمال هر یک از شرکاء ممکن است تعهداتی برای سایر شرکاء ایجاد نماید، لذا مسئولیت شرکاء تضامنی تلقی شده و این مسئولیت نیز باعث می شود که شرکاء را به یکدیگر پیوند دهد، لذا سهم الشرکه قابل انتقال نبوده و انتقال سهم الشرکه باید با رضایت کامل تمام شرکاء باشد. این امر در ماده ۱۲۳ ق. ت قید شده «در شرکت تضامنی هیچ یک از شرکاء نمی تواند سهم خود را به دیگری منتقل کند مگر با رضایت تمام شرکاء» و قاعده مندرج در این ماده از قواعد آمره و نظم عمومی محسوب می شود (محمدزاده، پیشین، ۱۱۹).

براساس ماده L.221-13 ق. ت. فرانسه هیچ یک از شرکای شرکت تضامنی نمی تواند سهم الشرکه خود را به شریک یا شرکای دیگر انتقال دهد مگر به اتفاق آراء شرکا (Mestre & Marie-Ève, op. cit, 339). شرکتنامه را نمی توان اصلاح نمود مگر به اتفاق آراء شرکا. همچنین صرفاً با اتفاق آراء شرکا می توان تابعیت شرکت تضامنی را تغییر داد (ibid, 340). در فرض تغییرات در شرکتنامه لازم است که این تغییرات به صورت کتبی باشد؛ همچنین لازم است تا در روزنامه

^۱ Un caractère très fermé.

کشیرالانتشار شرکت و در دفتر ثبت تجاری و شرکت‌ها نیز آگهی گردد (ibid). بنا به تصمیم مورخ ۱۹ دسامبر ۲۰۰۶ اتاق (شعبه) تجاری دیوان کشور فرانسه هنگامیکه شرکت تضامنی در مرحله بازسازی^۱ یا تصفیه قضایی^۲ قرار دارد، مطالبه طلب که ارزش مطالبه مذکور در ماده ۱-221.L را داشته باشد،^۳ در خصوص آن شرکت بی‌حاصل بنظر می‌رسد و صرفاً مطالبه مذکور برای وی حق تقدیمی جهت مراجعه به تمام یا برخی از شرکای شرکت را ایجاد می‌نماید. شریکی که با انتقال سهم‌الشرکه خود، قصد خروج از شرکت را دارد مکلف است تا انتقال مذکور را در دفتر ثبت تجاری و شرکت‌ها آگهی نماید^۴ و الا این انتقال در برابر اشخاص ثالث قابلیت استناد ندارد (تصمیم مورخ ۲۱ اکتبر ۲۰۰۸ اتاق (شعبه) تجاری دیوان کشور فرانسه) (ibid, 341).

۲-۳. نام شرکت

یکی دیگر از شرایط شرکت تضامنی داشتن «اسم مخصوص» است که در صدر ماده ۱۱۶ قید شده و در ماده ۱۱۷ ق. ت نیز آمده است که «در اسم شرکت تضامنی باید عبارت (شرکت تضامنی) و لاقلاً اسم یک نفر از شرکاء ذکر شود» (مثل و شرکاء یا و برادران) و منظور قانونگذار این است که اشخاص ثالث مطلع باشند که شرکت تضامنی است و حداقل یکی از شرکاء را بشناسند. نام مخصوص در شرکت‌های تضامنی مسئولیت شرکاء و نوع شرکت است که به فرانسه (Raison Sociale) گفته می‌شود و ذکر نام شرکاء که در ماده ۱۱۷ ق. ت بر آن تأکید شده است، معرف اشخاصی است که ضامن تعهدات شرکت می‌باشند و دارای اهمیت خاصی است (محمدزاده، پیشین، ۱۲۰).

اگر چه شرکت تضامنی عموماً جهت برخی تجارت‌های موروثی آبرومند به کار می‌رود. لیکن شرکت تضامنی می‌تواند قانوناً جهت ایجاد یا تشکیل نهادهای صنعتی مهم در قالب گروه شرکت‌ها^۵ نیز به کار رود (Merle, op. cit, 165).

۳- بررسی ماده 1-221.L قانون تجارت فرانسه و مواد ۱۱۶ و ۱۲۴ قانون تجارت ایران

^۱ Redressement.

^۲ Liquidation judiciaires.

^۳ La mise en demeure de la société.

^۴ Registre du commerce et des sociétés.

^۵ Groupe de Sociétés.

در تعریف شرکت تضامنی در ماده 1-221 L. قانون تجارت فرانسه آمده است: "شرکتی است که در آن شرکا جملگی تاجر بوده و به طور نامحدود و بطور تضامنی برای پرداخت بدهی های شرکت مسئولیت دارند.

بستانکاران شرکت حق مراجعه به شرکا را ندارند، مگر اینکه شرکت را از طریق یک سند غیرقضایی (اظهارنامه) نسبت به پرداخت دیون خود آگاه نموده و پاسخی دریافت نموده باشند".

همان طوری که ملاحظه می نمایم شرکای شرکت تضامنی تاجر تلقی می گردند و نسبت به پرداخت بدهی های شرکت مسئولیت تضامنی و نامحدود خواهند داشت. ضمناً در رای شماره ۱۰-۲۷۳۴۰ مورخ ۲۰ مارس ۲۰۱۲ شعبه تجاری دیوان کشور فرانسه علاوه بر دو ویژگی تضامنی و نامحدود بر ویژگی یارانه ای (کمکی) بودن مسئولیت شرکای شرکت تضامنی در پرداخت دیون شرکت تاکید شده است (<http://revuefiduciaire.grouperf.com>). از اینرو بستانکاران شرکت تضامنی نمی توانند شرکاء را بابت پرداخت بدهی های شرکت تحت تعقیب قرار دهند مگر اینکه مطالبات خود را از شرکت به وسیله سند غیرقضایی یا همان اظهارنامه مطالبه نموده باشند و از پرداخت آن ناامید شده باشند. به موجب پاراگراف دوم ماده فوق الذکر بستانکار شرکت بایستی به وسیله یک سند غیرقضایی طلب خود را از شرکت مطالبه بنماید. در این راستا در ماده R.221-10 قانون تجارت فرانسه آمده است که چنانچه ظرف هشت روز از تاریخ تسلیم سند غیرقضایی (اظهارنامه) به شرکت، وی از پرداخت بدهی خود استنکاف نماید یا ضمانتی مبنی بر پرداخت دین به بستانکار ندهد، بستانکار می تواند به شرکا شرکت جهت مطالبه طلب خود مراجعه نماید. البته این مهلت (هشت روز) می تواند به دستور رئیس دادگاه تجارت به تجویز ماده R.221-10 افزایش یابد (Merle, op. cit, 179). در رویه قضایی فرانسه اقدام مقدماتی بستانکار در وصول طلب از شرکت که مدیون اصلی شناخته می شود را دارای ماهیتی مالی و همانند اعلامیه وصول مالیات دانسته که بایستی به شرکت تضامنی ابلاغ گردد نه به شرکا (<http://revuefiduciaire.grouperf.com>). لذا در دو رای صادره از شعبه تجاری دیوان کشور فرانسه آمده است که بستانکاری که قصد مراجعه به شرکای شرکت تضامنی را دارد، نمی تواند از ارسال سند غیرقضایی به شرکت تضامنی طفره رود (Cass. Com. 19 décembre 2006 No. 05-19.607 et 20 février 2007 No. 02-21333).

اولین نکته و تمایز عمده بین قانون ایران و فرانسه:

۱- در شرکت های تضامنی در نظام حقوقی فرانسه به صرف شراکت در شرکت تضامنی، شخص تاجر تلقی می شود که چنین امری در قانون تجارت ایران و ماده ۱۱۶ قانون

تجارت پیش‌بینی نشده است. بنابراین شرکاء در شرکت تضامنی در نظام حقوقی ایران ممکن است تاجر باشند یا نباشند اما شراکت آنان در شرکت تضامنی موجب تاجر تلقی گردیدن آنها نمی‌شود.

۲- مقنن فرانسوی امکان رجوع به شرکاء را قبل از انحلال و تصفیه شرکت تحت شرایطی پیش‌بینی نموده است. بنابراین در توضیح این تفاوت بنیادین و با توجه به مواد ۱۱۶ و ۱۲۴ قانون تجارت در مقایسه با ماده L.221-1 قانون تجارت فرانسه می‌توان به این نتایج رسید:

مستنبط از ماده ۱۱۶ قانون تجارت ایران در شرکت تضامنی مسئولیت شرکت در قبال بدهی خود به میزان دارایی شرکت است. بنابراین با عنایت به ماده مزبور شرط اولیه در تحقق مسئولیت هر یک از شرکاء در شرکت تضامنی در پرداخت تمام قروض شرکت، عدم موفقیت شرکت تضامنی در تأدیه تمام بدهی‌های خود به واسطه عدم کفایت دارایی قرار گرفته است. و شرط ثانویه با عنایت به مادتهای ۱۱۶ و ۱۲۴ و مستنبط از مادتهای ۲۰۸ و ۲۰۹ قانون تجارت و همچنین وحدت ملاک با ماده ۲۰۸ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷/۱۲/۲۴ مراجعه به شرکا صرفاً پس از انحلال شرکت و تصفیه کامل آن یا همان اتمام عملیات تصفیه میسر است و اینکه دارایی شرکت کفاف پرداخت بدهی شرکت را ندهد. طلبکاران شرکت حق مراجعه به شرکاء را پیش از انحلال و اتمام عملیات تصفیه شرکت نخواهند داشت. بنابراین قانونگذار به لحاظ استقلال شخصیت حقوقی شرکت از شرکاء، مادامیکه شرکت واجد شخصیت حقوقی است، امکان رجوع به شرکاء را تجویز ننموده است. در حالیکه قانونگذار فرانسوی تحت شرایط پیش گفته این امکان را فراهم نموده است.

در نهایت در شرکت‌های تضامنی شرط مراجعه به شرکاء این است که قبلاً شرکت منحل شده و عملیات تصفیه آن به اتمام رسیده باشد (در واقع مقنن ایرانی هیچ راهی برای مراجعه شرکای شرکت تضامنی پیش از زوال شخصیت حقوقی شرکت باقی نگذاشته است) بنابراین بایستی قبلاً شرکت منحل شده باشد (ماده ۱۲۴ ق.ت) و دارایی شرکت تقسیم شده باشد و متعاقباً جهت مطالبه باقیمانده بدهی شرکت، حق مراجعه به شرکاء ایجاد می‌شود (ماده ۱۱۶ ق.ت). لذا پس از انحلال شرکت تضامنی، تصفیه کامل آن و عدم کفایت دارایی شرکت، حق رجوع به شرکای شرکت ایجاد می‌گردد.

۳-۱. شرکت تضامنی و مقایسه ماده L.221-1 قانون تجارت فرانسه با قانون تجارت ایران

در ماده 1-221.L قانون تجارت فرانسه در تعریف شرکت های تضامنی آمده است، شرکت تضامنی شرکتی است که شرکاء همگی تاجر بوده و به طور نامحدود و به طور تضامنی برای پرداخت بدهی های شرکت مسئولیت دارند. بستانکاران شرکت مادامی که شرکت باقی است حق رجوع به شرکاء را ندارند مگر آنکه شرکت را از طریق اظهارنامه (سند غیرقضایی) نسبت به انجام تعهدات خود آگاه نموده ولیکن پاسخی دریافت ننمایند.

سؤالی که در اینجا مطرح می گردد این است که چه وجوه افتراقی بین ماده مذکور در قانون تجارت فرانسه و همچنین مواد ۱۱۶ و ۱۲۴ قانون تجارت ایران وجود دارد:

وجه افتراق اول: در شرکت تضامنی در حقوق فرانسه به حکایت پاراگراف اول ماده فوق الذکر همگی شرکاء تاجر تلقی می گردند، این بدان معنا است که به صرف شریک شرکت تضامنی بودن تاجر تلقی می شوند، اعم از اینکه مبادرت به تشکیل یک شرکت تضامنی نمایند یا به یک شرکت تضامنی موجودی وارد شوند. این در حالی است که هیچ یک از نصوص قانونی در حقوق ایران دلالت بر چنین امری ندارد. همان طوری که می دانیم تاجر شناخته شدن یک وضعیت استثنائی است که نیازمند به نص است. بنابراین با توجه به اینکه قانون تجارت در ایران هیچ اشاره ای به تاجر شناخته شدن شرکاء شرکت تضامنی ندارد، نمی توان چنین شرکایی را تاجر تلقی نمود.

وجه افتراق دوم: به نظر می رسد قانونگذار فرانسوی در قسمت اخیر پاراگراف دوم ماده 1-221.L از اصل استقلال شخصیت حقوقی شرکت تا حدودی عدول نموده است، این امر را نیز می توان یکی از وجوه افتراق بنیادین بین حقوق دو کشور دانست. علیرغم اینکه شخصیت حقوقی مستقل شرکت به قوت خود باقی است قانونگذار فرانسوی اجازه مراجعه به شرکاء شرکت را برای بستانکاران شرکت فراهم نموده است. در حالیکه در حقوق ایران قانونگذار در ماده ۱۲۴ قانون تجارت چنین اجازه ای را نداده است. به معنای دیگر امکان مراجعه به شرکاء شرکت تضامنی مادامی که شخصیت حقوقی شرکت باقی است وجود ندارد. در حقوق فرانسه نیز مادامی که شخصیت حقوقی شرکت باقی است حق مراجعه مستقیم به شرکاء از بستانکاران شرکت سلب شده است. با این تفاوت که در حقوق این کشور (فرانسه) در صورت ارسال اظهارنامه یا سند غیرقضایی (نیاز به طرح دعوی و دادخواست وجود ندارد و صرف اطلاع مدنظر است و در نتیجه اثبات آن آسان تر می باشد) توسط بستانکاران شرکت و بی پاسخ ماندن آن اجازه مراجعه به شرکاء شرکت داده شده است. معنای بی پاسخ ماندن اظهارنامه این است که شرکت تضامنی نسبت به پرداخت دیون خود استنکاف نماید یا به نحوی عاجز از پرداخت دیون باشد یا به هر سببی از اسباب بستانکار را از مطالبه طلب خود منصرف ننماید. صرفاً در این صورت است که بستانکاران

شرکت تضامنی می‌تواند علیرغم وجود شخصیت حقوقی شرکت به شرکاء شرکت تضامنی مراجعه نمایند.

همان طوری که ملاحظه می‌شود قانونگذار فرانسوی در ماده 1-221 L دو مصلحت را مد نظر قرار داده است:

مصلحت اول: این است که امکان مراجعه به شرکاء شرکت تضامنی پس از مراجعه به شرکت علیرغم وجود شخصیت حقوقی و احترام به این شخصیت وجود دارد. به تعبیر دیگر قانونگذار فرانسوی ابتدا استقلال شخصیت حقوقی شرکت را محترم شمرده و تأکید نموده که مادامی که شخصیت حقوقی شرکت باقی است حق مراجعه به شرکاء در شرکت تضامنی وجود ندارد چرا که تأدیه دین مذکور بر عهده شرکت است نه شرکاء شرکت. همان طوری که می‌دانیم یکی از نتایج مسلم شناسایی اصل شخصیت حقوقی مستقل برای شرکت، تفکیک دارایی شرکت از دارایی شرکاء است (اصل تفکیک دارایی شرکت از دارایی شرکا) که مستلزم تفکیک دارایی شرکت از دارایی شرکاء است و دارایی اعم است از دارایی مثبت اموال اعم از منقول و یا غیرمنقول و مطالبات شرکت و همچنین دارایی منفی شامل دیون.

مصلحت دوم: که مدنظر قانونگذار فرانسوی بوده این است که در هر صورت بایستی مطالبات بستانکاران از شرکت در اسرع وقت پرداخت گردد و چنانچه مصلحت مذکور را مدنظر قرار دهیم در موضوع مورد بحث لازم است تا مصلحت اول را تعدیل نماییم. از اینرو قانونگذار فرانسوی به نحو شایسته‌ای این دو اصل را در کنار هم جمع نموده است (الجمع مهمما امکن اولی من الطرح) و بهترین راه ممکن را انتخاب نموده و آن این است که به بستانکاران شرکت اجازه داده با احترام به شخصیت حقوقی شرکت و نتیجه مسلم آن (اصل تفکیک دارایی شرکت از دارایی شرکاء) ابتداً به شرکت تضامنی مراجعه نمایند و در صورت بی‌پاسخ ماندن مطالبات بستانکار از شرکت به وی اجازه داده است تا به شرکاء شرکت مراجعه نمایند. اما وضع در حقوق ایران چگونه است؟ از ماده ۱۲۴ قانون تجارت ایران و همچنین مادتين ۲۰۸ و ۲۰۹ قانون مذکور و ایضاً وحدت ملاک از ماده ۲۰۸ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷/۱۲/۲۴ چنین استنباط می‌گردد که در شرکت تضامنی مادام که شخصیت حقوقی شرکت باقی است، امکان مراجعه به شرکا وجود ندارد.

با توجه به توضیحات ذکر شده سوالی که مطرح می‌شود این است که آیا در حقوق فرانسه و همچنین حقوق ایران امکان صدور حکم ورشکستگی همزمان شرکت تضامنی و شرکای آن وجود دارد یا خیر؟ و آیا بستانکاران شرکت می‌توانند تقاضای ورشکستگی شرکت و شرکاء شرکت

را بطور همزمان مطرح نمایند؟ به تعبیر دیگر بستانکاران شرکت می‌توانند تقاضای حکم ورشکستگی شرکت و شرکاء شرکت را بطور همزمان مطرح و ضمن یک دادخواست مطرح نمایند یا خیر؟ در پاسخ به این سؤال در محدوده حقوق فرانسه باید گفت که به دو دلیل ذیل امکان صدور حکم ورشکستگی همزمان شرکت تضامنی و شرکاء شرکت وجود دارد:

دلیل اول: اینکه هم شرکت تضامنی و هم شرکای آن تاجر محسوب می‌شوند و همان طور که می‌دانیم ورشکستگی مختص بازرگانان است.

دلیل دوم: این است که علی‌رغم پذیرش اصل استقلال شخصیت حقوقی شرکت تضامنی، بستانکاران شرکت می‌توانند به شرکا نیز جهت وصول طلب خود مراجعه نمایند، البته با رعایت تشریفات مندرج در پاراگراف دوم ماده L.221-1 و همچنین پاراگراف اول ماده R.221-10 قانون تجارت فرانسه.

اما پاسخ به سؤال فوق در حقوق ایران قطعاً منفی است. زیرا اولاً شرکاء شرکت تضامنی در حقوق ایران به صرف شریک شرکت تضامنی بودن تاجر محسوب نمی‌شوند، ثانیاً در فرض محال تاجر شناخته شدن شرکای شرکت تضامنی نیز امکان صدور حکم ورشکستگی شرکت تضامنی و شرکای آن بطور همزمان وجود ندارد، زیرا با توجه به صراحت ماده ۱۲۴ قانون تجارت و با بذل التفات به مادتين ۲۰۸ و ۲۰۹ قانون تجارت و ایضاً وحدت ملاک با ماده ۲۰۸ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷ تا پایان عملیات تصفیه شرکت، امکان مراجعه به شرکا وجود ندارد و زمانی بستانکار شرکت می‌تواند به شرکا مراجعه نماید که دیگر شرکتی موجود نباشد. بنابراین امکان صدور حکم ورشکستگی همزمان شرکت تضامنی و شرکاء آن در حقوق ایران عملاً منتفی است. اما ابهامی که در این خصوص وجود دارد برمی‌گردد به وجود ماده‌ای در قانون تجارت ایران که به صورت تلویحی امکان صدور حکم ورشکستگی شرکت تضامنی و شرکاء آن را ممکن می‌داند. در ماده ۴۳۹ قانون تجارت می‌خوانیم: «در صورت ورشکستگی شرکت تضامنی، مختلط یا نسبی اموال شخصی شرکاء ضامن مهر و موم نخواهد شد، مگر این که حکم ورشکستگی آنها نیز در ضمن حکم ورشکستگی شرکت یا به موجب حکم جداگانه صادر شده باشد».

در پاسخ باید گفت به دلایلی که فوقاً اشاره شد امکان مراجعه بستانکاران شرکت تضامنی به شرکای آن مادامی که شخصیت حقوقی شرکت باقی است، منتفی می‌باشد. ضمن اینکه صدور حکم ورشکستگی مستلزم احراز دو امر است اول احراز تاجر بودن؛ دوم توقف از پرداخت دیون. بنابراین به دلایل مذکور امکانی برای بستانکاران شرکت وجود ندارد تا بتوانند پیش از آنکه شخصیت حقوقی شرکت زائل گردد به شرکا مراجعه نمایند. به این ترتیب، وجود ماده ۴۳۹ قانون

تجارت در حقوق ایران بلااستفاده و متروک به نظر می‌رسد و به هیچ وجه با مبانی شرکت‌های تضامنی در حقوق ایران که فوقاً به آن اشاره شد قابل جمع نیست. حکم مندرج در ماده ۴۳۹ قانون تجارت از نمونه فرانسوی آن در قانون تجارت آن کشور اقتباس شده است و آن نیز با این پیش فرض تنظیم شده که شرکای شرکت تضامنی اولاً تاجر شناخته شوند و ثانیاً بستانکاران شرکت با وجود شخصیت حقوقی شرکت و پس از رعایت تشریفات مندرج در پاراگراف دوم ماده L.221-1 قانون تجارت آن کشور امکان مراجعه به شرکاء شرکت را داشته باشند. در حالیکه وقتی در قانون تجارت ایران نصی (ماده‌ای) مشابه آنچه که در ماده L.221-1 قانون تجارت فرانسه آمده است، وجود ندارد. چگونه می‌توان تقاضای صدور حکم ورشکستگی همزمان شرکت تضامنی و شرکای آن را مطرح نمود؟ (منتظر، ۱۳۹۶-۱۳۹۷، ۲۴).

۴- مقایسه ماده L.221-2 قانون تجارت فرانسه و ماده ۱۱۷ قانون تجارت ایران

بر اساس ماده L.221-2 قانون تجارت فرانسه، شرکت تضامنی باید دارای نام تجاری باشد و می‌تواند حاوی نام یک یا چند نفر از شرکا باشد که در اینصورت بایستی بلافاصله پس از عبارت «شرکت تضامنی» آورده شود. بر خلاف ماده ۱۱۷ قانون تجارت ایران که بایستی در نام شرکت الزاماً عبارت "تضامنی" و لاقلاً اسم یکی از شرکا ذکر شود.

۵- مقایسه ماده L.221-3 قانون تجارت فرانسه با ماده ۱۲۰ قانون تجارت ایران

شرکت تضامنی اصولاً با تعدادی اندک از شرکا غالباً با دو یا سه شریک مثل پدر و فرزندان ذکور، فرزندان اناث، برادران و خواهران در قالب شرکت خانوادگی تشکیل می‌گردد. با پذیرش این نکته به همراه اموال شخصی خود به طور نامحدود و تضامنی مسئولیت خواهند داشت. در اکثر موارد کلیه شرکا مدیریت شرکت را به عهده می‌گیرند (Merle, op. cit, 165). طبق ماده L.221-3 ق. ت. فرانسه کلیه شرکای شرکت تضامنی و شرکای ضامن در شرکت‌های مختلط غیرسهامی را می‌توان بعنوان مدیر شرکت انتخاب نمود مگر آنکه در شرکتنامه خلاف آن تصریح شده باشد. با وجود این در اغلب موارد یک یا چند مدیر توسط شرکتنامه یا یک سند خارجی انتخاب می‌شوند. شرکا می‌توانند یک شخص خارج از شرکت را نیز بعنوان مدیر انتخاب نمایند، اگر چه در اغلب موارد از بین شرکا انتخاب می‌گردند (Mestre & Marie-Ève, op. cit, 336).

در ماده ۱۲۰ قانون تجارت ایران نیز تصریح شده است که، شرکت تضامنی می‌تواند یک یا چند مدیر داشته باشد و این مدیران می‌توانند از میان شرکاء یا خارج از شرکت انتخاب شوند.

بنابراین پاراگراف اول ماده L.221-3 قانون تجارت فرانسه و ماده ۱۲۰ قانون تجارت ایران منطبق با یکدیگر هستند. اما وجه افتراق ماده L.221-3 و ماده ۱۲۰ قانون تجارت در این است که، قانون تجارت فرانسه پیش‌بینی نموده است که شخص حقوقی نیز می‌تواند مدیر شرکت تضامنی باشد در حالیکه چنین تصریحی در قانون تجارت ایران وجود ندارد و با توجه به عبارت ماده ۱۲۰ قانون تجارت «در شرکت تضامنی شرکاء باید لااقل یک نفر از میان خود یا از خارج به سمت مدیری معین نمایند» به نظر می‌رسد که مدیران شرکت تضامنی در نظام حقوقی ایران با توجه به عبارت (یک یا چند نفر...) باید از میان اشخاص حقیقی باشند. علاوه بر این در حقوق فرانسه لازم نیست که شخص حقوقی که می‌خواهد به مدیریت شرکت تضامنی انتخاب شود، از بین اشخاص حقوقی تجاری باشد، بلکه می‌تواند از بین اشخاص حقوقی غیر تجاری نیز انتخاب گردد (Cannu et Dondero, 2015, 890). از سویی دیگر با توجه به ماده ۱۲۰ که اشاره نموده که مدیر می‌تواند از میان شرکاء باشد و با توجه به اینکه شریک نیز ممکن شخص حقیقی یا حقوقی باشد. بنابراین با این تفسیر می‌توان گفت مدیر شرکت تضامنی می‌تواند شخص حقوقی نیز باشد. در قانون تجارت فرانسه مدیران شخص حقوقی دارای مسئولیت کیفری و مدنی هستند که این مسئولیت صرف‌نظر از مسئولیت تضامنی و نامحدود، شخص حقوقی که آنها مدیر آن هستند، می‌باشد.

۶- مقایسه ماده L.221-4 قانون تجارت فرانسه با مواد ۱۲۱ و ۵۱ قانون تجارت ایران

ماده L.221-4 قانون تجارت فرانسه در رابطه با حدود اختیارات مدیران نسبت به شرکاء می‌باشد. این ماده تصریح دارد که، مدیران شرکت تضامنی در صورت نبود مقرره‌ای مخالف در شرکتنامه دارای تمام اختیارات مدیریتی در رابطه با شرکت تضامنی هستند و در صورت تعدد مدیران هر یک جداگانه دارای اختیارات خود می‌باشند. و هر یک از مدیران می‌توانند با اقدامات شرکت پیش از انجام آنها مخالفت نمایند.

بر اساس مواد ۱۲۱ و ۵۱ قانون تجارت: مسئولیت مدیر یا مدیران شرکت در مقابل شرکاء همان مسئولیتی است که وکیل در مقابل موکل دارد. در نتیجه در حدود اختیارات تصریح شده می‌توانند از طرف شرکت اقدام نمایند. بنابراین به نظر می‌رسد در صورت تعدد مدیران چنانچه در اساسنامه تصریحی وجود نداشته باشد بایستی وفق ماده ۶۶۹ قانون مدنی به اتفاق آراء تصمیم‌گیری نمایند.

۷- بررسی ماده L.221-5 قانون تجارت فرانسه

براساس فراز اول ماده 5-L221 قانون تجارت فرانسه مدیران شرکت در ارتباط با اشخاص ثالث، در حدود موضوع فعالیت شرکت، اقدامات مقتضی را انجام خواهند داد (al., Charvériat et op.cit, 337). هر شرطی که در اساسنامه سبب ایجاد محدودیت در اختیارات مدیران گردد، در مقابل اشخاص ثالث قابل استناد نیست. علیرغم تاجر شناخته شدن شرکای شرکت تضامنی، لازم نیست تا آنها نام خود را در دفتر ثبت تجاری به ثبت برسانند (Ibid, 348). در پاراگراف دوم ماده مذکور نیز مقرر می‌دارد: "... در صورت تعدد مدیران، هر کدام به طور جداگانه اختیارات تصریح شده در پاراگراف قبل را دارا می‌باشند و اعتراض یک مدیر به اعمال مدیر دیگر تاثیری نسبت به حقوق اشخاص ثالث ندارد، مگر آنکه اثبات شود که شخص ثالث بر این امر آگاه بوده است".

دقت در قانون تجارت ایران نشان می‌دهد که مقرره‌ای مشابه ماده 5-L221 در حقوق تجارت ایران در زمینه شرکت‌های تضامنی وجود ندارد. لیکن در ماده 118 لایحه قانونی مصوب 1347 در خصوص شرکت‌های سهامی مدیران شرکت دارای کلیه اختیارات لازم برای اداره امور شرکت هستند، مشروط بر اینکه تصمیمات و اقدامات آنها در حدود موضوع شرکت باشد و محدود کردن اختیارات مدیران در رابطه با اشخاص ثالث باطل اما نسبت به صاحبان سهام و در روابط بین مدیران معتبر است.

۸- بررسی ماده 6-L.221 قانون تجارت فرانسه

تصمیماتی که خارج از اختیارات مدیران اخذ می‌گردد، باید به اتفاق آراء شرکاء تنفیذ گردد. با این حال در شرکتنامه می‌توان تصریح نمود که برخی تصمیمات با اکثریت شرکاء اتخاذ گردد و همچنین در شرکتنامه ممکن است مقرر گردد که تصمیمات باید از طریق مشاوره کتبی اخذ شود. البته این امر در صورتی است که برگزاری جلسه مجمع عمومی توسط یک یا چند نفر از شرکاء درخواست نشده باشد.

مقرره مشابهی در این خصوص در قانون تجارت ایران در رابطه با شرکت‌های تضامنی وجود ندارد.

۹- بررسی ماده 7-L.221 قانون تجارت فرانسه

براساس ماده 7-L.221 ظرف شش ماه پس از پایان سال مالی مجامع عمومی تشکیل می‌شوند که در این مجامع گزارش مدیران، صورت دارایی و حساب‌های سالانه موضوع تصویب مجمع خواهد بود. بدین منظور پیش‌نویس صورت جلسات و در صورت لزوم گزارش حسابرس، حسابهای تلفیقی و گزارش مدیران باید برای شرکای شرکت تضامنی ارسال گردد. (شیوه ارسال و اطلاع-رسانی به شرکاء و محدوده زمانی آن توسط شورای دولتی تعیین می‌گردد). هر تصمیمی که مقررات این ماده را نقض نماید و هر حکمی بر خلاف مفاد این ماده اجرا شود باطل خواهد بود.

همچنین هر شرطی که مغایر با مقررات این ماده گنجانده شود و یا اجرا شود کان لم یکن خواهد بود. در تاریخ بیستم دسامبر سال ۲۰۰۴ بموجب دستور شماره ۱۳۸۲-۲۰۰۴ رعایت بندهای سوم الی ششم ماده L.225-100 و ماده L.225-100-1 نیز در مورد شرکت های تضامنی الزامی گردید. چنین مقرره‌ای در شرکت‌های تضامنی در نظام حقوقی ایران پیش‌بینی نشده است. مفاد این ماده تقریباً مشابه مادتين ۸۶ و ۸۹ لایحه قانونی مصوب ۱۳۴۷ در خصوص شرکت‌های سهامی در حقوق ایران است.

۱۰- بررسی ماده 8-L.221 قانون تجارت فرانسه

شرکایی که مدیریت شرکت را بر عهده ندارند، این حق را خواهند داشت که دو بار در سال افشاء و دسترسی به وضعیت اوراق و اسناد شرکت را به صورت مکتوب از مدیران شرکت بخواهند. چنین مقرره‌ای نیز در خصوص شرکت‌های تضامنی در قانون تجارت ایران پیش‌بینی نشده است. اما به نظر می‌رسد با عنایت به ماده ۱۲۱ ناظر بر ماده ۵۱ قانون تجارت، از آنجاییکه مدیران شرکت در مقابل شرکا، مسئولیت و کیل در مقابل موکل را دارند، لذا بر اساس قواعد عام حقوق مدنی مکلفند تا حساب زمان تصدی خود را به شرکا شرکت (موکل) ارائه نمایند.

۱۱- بررسی ماده 10-L.221 قانون تجارت فرانسه

ماده فوق در تاریخ هشتم سپتامبر ۲۰۰۵ بموجب دستور شماره ۱۱۲۶-۲۰۰۵ لغو گردیده است.

۱۲- بررسی ماده 9-L.221 قانون تجارت فرانسه

شرکاء می‌توانند یک یا چند حسابرس را با توجه به شرایط مقرر در ماده L.221-6 تعیین نمایند. در شرکت‌های تضامنی در پایان سال مالی، در خصوص دو معیار زیر به حکم شورای دولتی باید حسابرس تعیین شود:

- ۱- مجموع ترانزنامه آنها؛ ۲- تعداد گردش مالی (حجم معاملات آنها) به استثناء مالیات بر ارزش افزوده و میانگین تعداد کارمندان آنها در پایان سال مالی. حتی اگر چنین موعدی نرسیده باشد (پایان سال مالی)، یکی از شرکاء می‌تواند از دادگاه انتصاب یک حسابرس را بخواهد. در تاریخ نوزدهم ژوئیه ۲۰۱۹ بموجب قانون شماره 2019-744 به ماده L.221-9 یک پاراگراف تحت عنوان پاراگراف چهارم به ماده مذکور اضافه گردید. در این پاراگراف

به شرکا بطور یکسان اختیار تعیین یک حسابرس جهت انجام حسابرسی شرکتهایی را داده که یک یا برخی از شرکا در آنها شریک می باشند، داده است. مقررهمشابه ای در خصوص حسابرسی در شرکتهای تضامنی ایران وجود ندارد.

۱۳- بررسی ماده 11-221.L قانون تجارت فرانسه

پاراگراف اول و دوم ماده 11-221.L بموجب دستور شماره ۱۱۲۶-۲۰۰۵ مورخ هشتم سپتامبر ۲۰۰۵ لغو گردید.

در ماده 11-221.L آمده است: «اسناد اشاره شده در پاراگراف اول ماده 7-221.L باید با توجه به شرایط و مهلت‌های تعیین شده توسط شورای دولتی در اختیار حسابرسان قرار گیرد». اسناد مذکور در ماده 7-221.L عبارتند از پیش‌نویس صورت جلسات و حساب‌های تلفیقی و گزارش مدیران.

چنین مقرره‌ای نیز در قانون تجارت ایران در خصوص شرکتهای تضامنی وجود ندارد.

۱۴- بررسی ماده 12-221.L قانون تجارت فرانسه

قواعد تشکیل و فعالیت شرکتهای تضامنی نسبت به دیگر شرکتهای تجاری مثل شرکت با مسئولیت محدود و شرکتهای سهامی ساده‌تر و سهل‌تر بوده و مدیریت شرکتهای تضامنی نیز در مقایسه با شرکتهای مزبور به مراتب با ثبات‌تر است. چنانچه کلیه شرکا مدیریت شرکت را به عهده گیرند یا چنانچه یک یا برخی از مدیران شرکت از بین شرکا با تصریح در شرکتنامه انتخاب شوند عزل آنها امکان‌پذیر نیست مگر به اتفاق آراء شرکا (م 12-221.L ق. ت. ف) (Merle, 2009, 166).

بند اول: اگر تمام شرکاء مدیران شرکت باشند یا اگر یک یا چند نفر از شرکاء مدیر باشند و این امر در شرکتنامه تصریح شده باشد (در واقع انتصاب این شرکاء به عنوان مدیر در شرکتنامه پیش‌بینی شده باشد) عزل هر کدام از آنها از سمت مدیریت صرفاً با اتفاق آراء ممکن است که این امر می‌تواند منجر به انحلال شرکت شود، مگر آنکه ادامه فعالیت شرکا در شرکتنامه تصریح شده باشد یا دیگر شرکاء بر ادامه فعالیت شرکت به اتفاق آراء تصمیم‌گیری نمایند. مدیر معزول ممکن است تصمیم بگیرد که از مشارکت در شرکت کناره‌گیری نماید و در نتیجه بازپرداخت سهم‌الشرکه خود را بخواهد. ارزش این سهم‌الشرکه بر اساس ماده 4-1843 قانون مدنی تعیین خواهد شد. درج هرگونه شرطی که مغایر با ماده 4-1843 قانون مدنی باشد، کان‌لم‌یکن محسوب می‌شود. بر اساس ماده 4-1843 قانون مدنی فرانسه در این موارد زیر ارزش سهم‌الشرکه به روش

های ذیل تعیین می گردد: ۱- با تعیین کارشناس؛ ۲- یا با توافق طرفین؛ ۳- در صورت عدم توافق، به موجب حکم دادگاه طی یک رسیدگی اختصاری که حکم صادره غیر قابل اعتراض خواهد بود.

بند دوم: اگر یک یا چند نفر از شرکاء مدیر شرکت باشند و این امر در شرکتنامه قید نشده باشد. هر یک از آنان ممکن است از سمت خود معزول گردند، مشروط بر اینکه شرایط تعیین شده در شرکتنامه لحاظ گردد یا در صورت نبود چنین مقرره‌ای در شرکتنامه به اتفاق آراء سایر شرکاء این تصمیم را اتخاذ نمایند خواه شرکای مزبور از مدیران باشند یا نباشند.

بند سوم: عزل مدیری که از میان شرکاء نیست مشروط به شرایطی است که در شرکتنامه قید شده است یا در صورت نبود چنین مقرره‌ای به اتفاق آراء شرکاء خواهد بود.

در صورتی که عزل مدیری بدون دلیل موجه باشد ممکن است منتهی به پرداخت خسارت گردد. دقت در مقررات قانون تجارت ایران نشان می دهد که چنین تفکیکی در خصوص مدیران در قانون تجارت ایران وجود ندارد و صرفاً در مواد ۱۲۰ و ۱۲۱ به این امر بسنده شده است که شرکاء باید حداقل یک یا چند نفر را از میان خود یا از خارج به سمت مدیریت شرکت انتخاب نمایند و حدود مسئولیت مدیران را در قبال شرکاء همانند مسئولیت وکیل در مقابل موکل دانسته است و تصریحی در خصوص عزل مدیران در شرکتهای تضامنی وجود ندارد.

۱۵- مقایسه ماده L221-13 قانون تجارت فرانسه با ماده ۱۲۳ قانون تجارت ایران

بر اساس ماده L.221-13 سهم‌الشرکه شرکا را نمی توان به صورت اوراق بهادار قابل معامله صادر نمود. ماده مذکور در ادامه مقرر می داشت: «انتقال سهم‌الشرکه صرفاً با رضایت تمام شرکا امکان پذیر است. هر شرطی مغایر با مفاد این ماده کان‌لم‌یکن خواهد بود». این در حالیست که در اصلاحات مورخ ۲۱ اکتبر ۲۰۱۹ بموجب دستور شماره ۱۰۶۷-۲۰۱۹ این قسمت از ماده فوق الذکر بشرح ذیل اصلاح شده است: «انتقال سهم‌الشرکه بدون توجه به قاعده فوق، مشمول ضمانت اجرای شرایط مذکور در پاراگراف اول ماده L.411-1 قانون پولی و مالی قرار می گیرد. سهم‌الشرکه را نمی توان بدون رضایت کلیه شرکا منتقل نمود. درج هر گونه شرطی مخالف با ماده حاضر کان‌لم‌یکن تلقی می گردد».

بر اساس ماده ۱۲۳ قانون تجارت ایران نیز انتقال سهم‌الشرکه صرفاً با رضایت کلیه شرکا ممکن است.

۱۶- بررسی ماده 14-221L قانون تجارت فرانسه

انتقال سهم‌الشرکه باید به صورت مکتوب باشد. این انتقال در صورتی نسبت به شرکت مؤثر تلقی می‌شود که تحت شرایط مقرر در ماده 1690 قانون مدنی صورت گیرد. ماده 1690 قانون مدنی فرانسه در این خصوص مقرر می‌دارد: انتقال طلب در صورتی نسبت به اشخاص ثالث مؤثر و معتبر است که اختطاری مبنی بر انتقال به بدهکار ارسال شود. با این حال انتقال گیرنده ممکن است در موقعیتی قرار گیرد که به قبول رسمی و معتبر مبنی بر انتقال از جانب مدیون نیازمند باشد. از مفاد ماده مذکور استنباط می‌گردد که در شرکت‌های تضامنی هر شریک همواره در مقابل بستانکاران شرکت دارای مسئولیت نامحدود و تضامنی بوده و در نتیجه با انتقال سهم‌الشرکه به دیگری، انتقال گیرنده جایگزین مدیون سابق (شریک سابق) می‌شود. لذا باید اختطار رسمی مبنی بر انتقال سهم‌الشرکه و جایگزینی مدیون فعلی به جای مدیون سابق ارسال گردد تا نسبت به اشخاص ثالث مؤثر باشد.

در ادامه ماده 14-221L مقرر می‌دارد: «با وجود این، اطلاع‌رسانی ممکن است به وسیله سپردن اصل سند انتقال در مرکز اصلی شرکت به جای گواهی صادره توسط مدیر شرکت جایگزین شود. این انتقال در مقابل اشخاص ثالث قابل استناد نیست، مگر پس از انجام تشریفات فوق و همچنین پس از آگهی اصلاحیه در دفتر ثبت تجاری و شرکت‌ها. ضمناً این کار را می‌توان بصورت الکترونیکی نیز انجام داد.» (دستور شماره ۸۶۳-۲۰۱۴ مورخ ۳۱ ژوئیه ۲۰۱۴).

در ماده ۱۲۵ قانون تجارت ورود شریک ضامن به یک شرکت تضامنی موجود مستلزم این امر است که وی نسبت به قروض شرکت که قبل از ورود او وجود داشته، مسئولیت خواهد داشت و هر قراری بین شرکا برخلاف این امر نسبت به اشخاص ثالث مؤثر نخواهد بود.

۱۷- مقایسه ماده 15-221L قانون تجارت فرانسه با مادتين ۱۳۶ و ۱۳۹ قانون تجارت**ایران**

براساس ماده 15-221L قانون تجارت فرانسه شرکت تضامنی با فوت یکی از شرکا ممکن است خاتمه یابد، در این خصوص لازم است به سوالات ذیل پاسخ داده شود که آیا شرکت تضامنی با ورثه شریک متوفی مشارکت را ادامه می‌دهد یا صرفاً با شرکاء باقیمانده؟ چنانچه ورثه شریک متوفی بخواهند به عنوان شریک شرکت تضامنی مشارکت نمایند باید این امر مورد تأیید و پذیرش شرکت قرار گیرد. همین حکم در خصوص اینکه مشارکت با همسر شریک متوفی یا با یک یا چند نفر از ورثه ادامه پیدا کند و یا با هر شخص دیگری که به موجب اساسنامه تعیین شده است، اعمال می‌شود. به عبارت دیگر، شرکا می‌توانند در شرکتنامه تصریح نمایند که در چنین فرضی (فوت یکی از شرکا)

شرکت به حیات خود ادامه دهد. به این معنا که شرکت با ورثه (بازماندگان) شریک متوفی به حیات خود ادامه دهد (Mestre & Marie-Ève,) op. cit, 342).

شرکا همچنین می توانند توافق نمایند که علیرغم ادامه فعالیت شرکت، وراثت شریک متوفی را از شرکت خارج یا اخراج نمایند. در این صورت شرکا معادل سهم الشرکه شریک متوفی را به وراثت وی پرداخت خواهند نمود. مشکل اصلی در این خصوص تعیین ارزش سهم الشرکه شریک متوفی می باشد که در عمل با جلب نظر کارشناسی چنین امری تحقق می یابد (ماده ۱۸۴۳ ق. م. ف) (ibid, 343). در صورت صدور حکم به تصفیه قضایی، توقف برنامه انتقال کل سهم الشرکه، ممنوعیت از انجام اعمال تجاری یا حجر یکی از شرکای شرکت تضامنی، شرکت منحل خواهد گردید، مگر آنکه به ادامه حیات یا فعالیت شرکت در شرکتنامه تصریح گردیده یا دیگر شرکا به اتفاق آراء بر حیات یا ادامه فعالیت شرکت تصمیم گرفته باشند (ماده ۱۶-۲۲۱ L. ق. ت. ف).

فرض اول: اگر اینگونه تعیین شده باشد که مشارکت ورثه متوفی منوط به تصویب شرکت است: در این فرض چنانچه ادامه حیات شرکت تضامنی با شرکای باقیمانده (نه ورثه) باشد: به سادگی ورثه شریک متوفی در حکم بستانکار شرکت خواهد بود و صرفاً به میزان ارزش سهم-الشرکه شریک متوفی محق خواهند بود. این امر در فرضی است که مشارکت ورثه در شرکت تضامنی بایستی با تأیید شرکت باشد و شرکت از چنین تأییدی امتناع ورزیده باشد که در این صورت ورثه نسبت به ارزش سهم الشرکه شریک متوفی بستانکار شرکت خواهند بود. بنابراین اگر ادامه مشارکت ورثه، منوط به تصویب شرکت باشد و شرکت آن را تصویب نکند، ورثه در حکم بستانکار شرکت خواهند بود. بنابراین ورثه مالک ارزش سهم الشرکه و دارایی شخصی متوفی خواهند شد.

در فروض مذکور، ارزش سهم الشرکه براساس تاریخ فوت و بر طبق ماده ۴-۱۸۴۳ قانون مدنی فرانسه تعیین خواهد شد.

فرض دوم: در صورت ادامه شرکت با ورثه شریک متوفی، در صورتی که یک یا چند نفر از ورثه شریک متوفی، صغیر بوده و به سن قانونی نرسیده باشد. مسئولیت شریک مزبور در قبال بدهی های شرکت صرفاً تا میزانی است که شریک متوفی در شرکت سهم الشرکه داشته (سهم وی از بدهی شرکت به اندازه سهم الشرکه شریک متوفی از شرکت است. یعنی دارای مسئولیت نامحدود نیست) بعلاوه، نوع مشارکت باید تبدیل شود و ظرف یک سال از تاریخ فوت به یک مشارکت مختلط غیرسهامی تغییر نماید که طی آن صغیر یک شریک با مسئولیت محدود خواهد بود، در غیر این صورت شرکت منحل خواهد شد.

براساس مواد ۱۳۹ و ۱۴۰ قانون تجارت ایران: در فرض فوت یا حجر یکی از شرکا، از آنجاییکه شرکت تضامنی از نوع شرکتهای شخص است، باقیمانده شرکا و قائم مقام متوفی باید با بقا شرکت موافق باشند و در صورت رضایت شرکای باقیمانده در مرحله بعد نوبت به قائم مقام متوفی خواهد رسید که ظرف مدت یک ماه از تاریخ فوت مهلت خواهند داشت تا رضایت یا عدم رضایت خود را راجع به بقای شرکت کتباً اعلام نمایند.

در صورتی که قائم مقام متوفی رضایت خود را ظرف مدت یک ماه از تاریخ فوت اعلام نماید، نسبت به اعمال شرکت در مدت مزبور از نفع و ضرر شریک خواهند بود و در صورت عدم رضایت قائم مقام متوفی ظرف مدت مذکور فقط در سود شرکت شریک خواهند بود. البته سکوت قائم مقام متوفی تا انقضای یکماه در حکم اعلام رضایت است. بنابراین فوت یکی از شرکاء در شرکتهای تضامنی در قانون تجارت ایران و فرانسه ممکن است منجر به انحلال شرکت شود (بند «و» ماده ۱۳۶).

۱۸- مقایسه ماده L.221-16 قانون تجارت فرانسه با مواد ۱۳۶، ۱۳۹ و ۱۴۰ قانون تجارت ایران

براساس ماده L.221-16 آهنگامی که تصمیم به انحلال شرکت توسط دادگاه صادر شود (انحلال قضایی) یا برنامه انتقال کل سهم الشرکه متوقف گردد یا موضوع فعالیت تجاری شرکت ممنوع گردد و یا یکی از شرکا محجور گردد، شرکت منحل خواهد شد. مگر اینکه ادامه حیات شرکت در شرکتنامه قید شده باشد یا در غیر این صورت دیگر شرکا به اتفاق آراء بر بقای شرکت تصمیم گیری نمایند.

در صورتی که شرکت به حیات خود ادامه دهد، ارزش سهم الشرکه و حق رأی به شریک خارج شده وفق ماده 4-1843 قانون مدنی فرانسه بازپرداخت خواهد شد. درج هر گونه شرطی برخلاف ماده 4-1843 قانون مدنی کان لم یکن تلقی خواهد شد. قانون تجارت ایران در ماده ۱۳۶ موارد انحلال شرکت تضامنی را پیش‌بینی نموده است. براساس این ماده، شرکت تضامنی تحت شرایط عام و خاص قابلیت انحلال دارد.

۱۸-۱. علل عام انحلال شرکت تضامنی

۱) منتفی شدن تعدد شرکا: به این معنی که هر شرکت برای ایجاد و ادامه حیات، نیاز به دو یا چند شریک دارد. در صورتی که به هر دلیلی این تعدد شرکا از بین برود دیگر

- شراکتی وجود نخواهد داشت، پس شرکت نیز از بین می‌رود.
- ۲) **انقضای مدت شرکت:** در صورتی که شرکت تضامنی برای مدت محدودی ایجاد شده باشد، پس از پایان این مدت شرکت منحل گردد (بند الف ماده ۱۳۶).
- ۳) **انتفای موضوع شرکت:** زمانی که انجام موضوع فعالیت شرکت به دلایلی از قبیل انجام شدن یا ممنوع شدن آن غیر ممکن شود، منجر به انحلال شرکت خواهد شد (بند الف ماده ۱۳۶)
- ۴) **ورشکستگی شرکت:** به محض اینکه حکم ورشکستگی شرکت صادر شود، شرکت منحل خواهد شد (بند «الف» ماده ۱۳۶)
- ۵) **بطلان قرارداد شرکت:** برای ایجاد شرکت، دو یا چند نفر با یکدیگر توافق کرده و قرارداد شرکت را منعقد می‌کنند. حال اگر این توافق به علتی باطل باشد، منجر به بطلان شرکت می‌شود.
- ۶) **تصمیم تمام شرکا:** از آنجا که همه شرکا با توافق هم قرارداد تشکیل شرکت را منعقد می‌نمایند، خود نیز می‌توانند با توافق، شرکت را منحل نمایند (احمدی، ۱۳۹۳).

۲-۱۸. علل خاص انحلال شرکت تضامنی

در مورد انحلال شرکت تضامنی در قانون تجارت مواردی پیش‌بینی شده که می‌توان آنها را به ترتیب زیر خلاصه نمود:

- ۱- انحلال شرکت برابر بند ب ماده ۱۳۶ قانون تجارت با موافقت تمامی شرکا امکان پذیر است. پس در صورتی که حتی یکی از شرکا مخالف باشد، شرکت منحل نخواهد شد. با این حال اگر اساسنامه یا شرکتنامه، شرکا را از حق فسخ محروم نکرده باشد هر یک از شرکا می‌تواند در صورتی که انحلال به قصد ورود ضرر به شرکا یا اشخاص ثالث نباشد، انحلال شرکت را درخواست کند (بند «د» ماده ۱۳۶ ق.ت). این تقاضا باید شش ماه قبل از فسخ، کتباً به شرکا اعلام شود. همچنین اگر برابر اساسنامه باید سال به سال به حساب شرکت رسیدگی شود، فسخ در هنگام ختم محاسبه سالیانه به عمل می‌آید (ماده ۱۳۷ ق.ت).
- ۲- ورشکستگی یکی از شرکا ممکن است منجر به انحلال شرکت شود (بند «ه» ماده ۱۳۶ ق.ت). انحلال شرکت به سبب ورشکستگی شرکا جنبه قهری دارد. به این معنا که نیازی به صدور حکم انحلال به وسیله دادگاه به سبب ورشکستگی شریک نیست و کافی است که ارگان تصفیه شریک ورشکسته کتباً تقاضای انحلال شرکت را نموده و از این تقاضا

شش ماه گذشته و شرکت، مدیر تصفیه را از تقاضای مزبور منصرف نکرده باشد (ماده ۱۳۸ ق.ت).

۳- فوت شریک نیز شرکت را منحل می کند (بند «و» ماده ۱۳۶ ق.ت) مگر اینکه شرکای باقی مانده و قائم مقام متوفی به بقای شرکت رضایت دهند. برابر ماده ۱۳۹ ق.ت اگر سایر شرکا به بقا شرکت تصمیم گرفته باشند قائم مقام متوفی باید در مدت یک ماه از تاریخ فوت رضایت یا عدم رضایت خود را کتباً اعلام نماید.

۴- محجوریت یکی از شرکا موجب انحلال شرکت می شود (بند «و» ماده ۱۳۶ ق.ت) لیکن براساس ماده ۱۴۰ قانون تجارت در صورت محجوریت یکی از شرکا با اعمال ماده ۱۳۹ ق.ت می توان شرکتهای را از انحلال نجات داد.

۵- انحلال شرکت تضامنی برابر با بند «ج» ماده ۱۳۶ قانون تجارت در صورتی ممکن است که یکی از شرکا به دلایلی انحلال شرکت را از دادگاه تقاضا نماید و دادگاه آن دلایل را موجه و حکم به انحلال بدهد. البته موضوع مهم تشخیص موجه بودن دلایل است و دلیل را وقتی می توان موجه دانست که سایر شرکا وظایف و تعهدات خود را انجام ندهند یا عملی مخالف با محتوای قرارداد شرکت انجام دهند (ستوده تهرانی، ۱۳۸۶، ۲۴۳). البته مطابق تبصره همین ماده در صورتی که دلایل انحلال، منحصراً مربوط به شریک یا شرکای معین باشد دادگاه می تواند به تقاضای سایر شرکا به جای انحلال، حکم به اخراج آن شریک یا شرکا معین را بدهد.

۶- در صورت درخواست طلبکار یا طلبکاران شخصی هر یک از شرکا، شرکت منحل می شود، آن هم زمانی که نتوانسته باشند طلب خود را از دارایی شخصی مدیون (شریک) وصول کنند و سهم مدیون از منافع شرکت هم برای پرداخت طلب آنها کافی نباشد (ماده ۱۲۹ ق.ت) باید گفت قانون گذار سعی در حفظ حقوق طلبکاران و بقای شرکت دارد (حسنی، ۱۳۸۵، ۱۳۰). زیرا اولاً مقرر کرده است که طلبکار باید شش ماه قبل، قصد خود را به اطلاع شرکت برساند و ثانیاً طبق ماده ۱۳۱ ق.ت در صورتی که سایر شرکا سهمیه آن شریک را از دارایی شرکت نقداً پرداخت کنند، می توانند از انحلال شرکت جلوگیری کنند (احمدی، پیشین).

با توجه به مطالب مذکور؛ می توان گفت علل و شرایط انحلال شرکت تضامنی در حقوق ایران، در برخی موارد از جمله فوت یا حجر یکی از شرکاء با قانون تجارت فرانسه با اندکی تفاوت مشترک است. اما برخی از موارد صرفاً در قانون مدنی ایران پیش بینی شده است از جمله انحلال

به درخواست یکی از شرکاء از دادگاه، فسخ یکی از شرکاء و ورشکستگی یکی از شرکاء (وفق بندهای ج، د، ه ماده ۱۳۶ قانون تجارت).

۱۹- مقایسه ماده L.221-17 قانون تجارت فرانسه با ماده ۱۱۷ قانون تجارت ایران

براساس ماده L.221-17 در شرکت های تضامنی با وجود مقررات مواد L.221-2 و L.221-3 قانون تجارت فرانسه در شرکت هایی که نام یک یا چند نفر از شرکای مرحوم که شرکای بنیادین هستند، یعنی در نام تجاری شرکت، نام یک یا چند نفر از شرکا آمده است که فوت نموده ولیکن از شرکاء و بنیانگذاران شرکت می باشند، از تاریخ اول آوریل ۱۹۶۷ شرکت مجاز به حفظ نام شریک یا شرکای متوفی در نام تجاری خود می باشد. در این خصوص شورای دولتی فرانسه شرایط استفاده از این اختیار را تعیین نمود است. شورای دولتی فرانسه همچنین شرایطی را که بر اساس آن اعتراض اشخاص ثالث باید به دادگاه ارسال شود را نیز تعیین نموده است.

در این خصوص تصریحی در قانون تجارت ایران وجود ندارد. لیکن از ماده ۱۱۷ قانون تجارت شاید بتوان استنباط نمود که در صورت انتقال قهری یا قراردادی سهم الشرکه و همچنین فوت شریکی که نام وی در کنار نام شرکت ذکر شده، بایستی در نام شرکت تغییر مقتضی اعمال گردد.

نتیجه

در حقوق فرانسه، شرکاء شرکت تضامنی به صرف اینکه شریک در شرکت تضامنی می شوند از وصف تاجر بودن برخوردار می شوند در حالیکه در حقوق ایران صرف شراکت در یک شرکت تضامنی موجب تاجر شناخته شدن شخص تلقی نمی گردد. در واقع مقنن فرانسوی از اصل مسلم وجود شخصیت حقوقی شرکت تا حدودی عدول نموده است که یکی از آثار شخصیت حقوقی اصل مسلمی است به نام تفکیک دارایی شرکت از دارایی شرکا. بر این اساس امکان مراجعه به شرکای شرکت تضامنی تا زمانیکه شخصیت حقوقی شرکت باقی است، اصولاً منتفی است. لیکن مقنن فرانسوی به دلیل برخی مصالح از این اصل تا حدودی عدول نموده و آن را تحت شرایط مصرح در مادتهای L.221-1 و L.221-10 تجویز نموده است. این در حالیست که به موجب ماده ۱۲۴ قانون تجارت ایران تحت هیچ عنوانی امکان مراجعه طلبکاران شرکت به شرکاء مادامیکه شخصیت حقوقی شرکت باقی است، وجود ندارد. با عنایت به مطالب معنونه در نظام حقوقی فرانسه امکان همزمانی ورشکستگی شرکاء و شرکت وجود دارد زیرا شرکای شرکت تضامنی در

حقوق فرانسه تاجر تلقی می‌شوند و علیرغم استقلال شخصیت حقوقی شرکت، قانونگذار فرانسوی بنا به ملاحظات گفته شده، امکان مراجعه به شرکای شرکت را با وجود شخصیت حقوقی شرکت ممکن ساخته است. لذا همواره بستانکاران شرکت می‌توانند تقاضای صدور حکم ورشکستگی همزمان شرکت تضامنی و شرکاء آن را مطرح نمایند. اما در حقوق ایران امکان صدور حکم ورشکستگی شرکت تضامنی و شرکای آن بطور همزمان قطعاً منتفی است. زیرا در حقوق ایران شرکای شرکت تضامنی، تاجر شناخته نمی‌شوند و این در حالیست که ورشکستگی مختص تاجر است. بعلاوه مادامیکه شخصیت حقوقی شرکت باقی است یعنی تا قبل از انحلال و تصفیه کامل شرکت تضامنی، امکان مراجعه به شرکاء شرکت منتفی است.

اگرچه شرکت‌های تضامنی در حقوق ایران اقتباسی از قانون تجارت فرانسه است، لیکن تمایزات بنیادینی بین این دو نظام حقوقی وجود دارد از آن جمله ماده 1-221.L قانون تجارت فرانسه و مادتین ۱۱۶ و ۱۲۴ قانون تجارت ایران است که آثار بسیار متفاوتی ایجاد خواهد نمود. در نهایت حدود مسئولیت و اختیارات مدیران، انتخاب و عزل آنها و شرایط انحلال شرکت تضامنی دارای تفاوت‌ها و وجوه اشتراکی در این دو نظام حقوقی است که در مقاله به آنها اشاره گردید.

فهرست منابع

- ۱- احمدی، محمد حسین، انحلال شرکت تضامنی»، تارنمای پژوهشکده باقرالعلوم (ع)، آبان ماه ۱۳۹۳، قابل دسترسی در http://pajooho.ir/%D8%A7%D9%86%D8%AD%D9%84%D8%A7%D9%84%D8%B4%D8%B1%DA%A9%D8%AA-%D8%AA%D8%B6%D8%A7%D9%85%D9%86%DB%8C_a35456.aspx_ftnref14
- ۲- اسکینی، ربیعا، «حقوق تجارت، شرکت های تجاری»، جلد اول، تهران: انتشارات سمت، چاپ شانزدهم، ۱۳۹۱.
- ۳- حسنی، حسن، حقوق تجارت»، نشر میزان، چاپ پنجم، ۱۳۸۵.
- ۴- خزاعی، حسین، «حقوق تجارت»، جلد نخست، تهران: قانون، ۱۳۸۵.
- ۵- رسایی نیا، ناصر، «حقوق تجارت»، جلد نخست، تهران: خیام، ۱۳۸۶.
- ۶- ستوده تهرانی، حسن، «حقوق تجارت»، جلد اول، تهران، نشر دادگستر، چاپ هشتم، ۱۳۸۳.
- ۷- سماواتی، حشمت الله، «بررسی و تحقیق پیرامون شرکتهای تضامنی»، تهران، نشر میزان، چاپ اول، ۱۳۹۱.
- ۸- صقری، محمد، «حقوق بازرگانی، شرکت‌های تجاری»، جلد دوم، تهران: سهامی انتشار، چاپ اول، ۱۳۹۳.

- ۹- طالب احمدی، حبیب، «مسئولیت شرکای شرکت تضامنی در قانون تجارت و لایحه اصلاحی آن»، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۷۴، تابستان، ۱۳۹۰.
- ۱۰- کاویانی، کورش، «حقوق شرکت های تجاری»، تهران، نشر میزان، چاپ اول، پاییز ۱۳۸۶.
- ۱۱- محمدزاده، محمود، «بررسی اجمالی شرکت های اشخاص و انحلال در شرکت های فوق»، ماهنامه کانون، شماره ۲۹، دی و بهمن، ۱۳۸۰.
- ۱۲- منتظر، مهدی، تقریرات درس حقوق تجارت تطبیقی، دوره دکتری، نیمسال دوم تحصیلی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بین المللی کیش ۱۳۹۶ - ۱۳۹۷.
- 13- Ann Charvériat, Alain Couret, Brano Zabala & Barthélemy Mercadal, "Mémento Pratique, Sociétés Commerciales", 47^e édition, Editions Francis Lefebvre, 2016.
- 14- Jacques Mestre & Marie -Éve, "Droit commercial (Droit Interne et Aspects de Droit International)", L.G.D.J, 28^e édition, Pancrazi, 2009.
- 15- Philippe Merle, "Droit Commercial, Sociétés", 13^e édition, Dalloz, 2009.
- 16- Paul le Cannu et Bruno Dondero, "Droit Des Sociétés", 6^e édition, L.G.D.J, Lextenso, 2015.
- 17- https://revuefiduciaire.grouperf.com/lien_bofip/index.php?mode=article&id=2895-PGP&datePlan=2013-08-19&bg=7403&bd=7404&niv=5

